

قسم اگر میگفتند این آهنگهای شیطانی استحباب دارد، اینگونه اصرار نمی‌بود. میفهمید چه دارید می‌کنید؟ دشمنانتان دارند به اهدافشان میرسند.

## تربیت در محیط خانوادگی

- [۱]. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۲
- [۲]. اصول کافی، ج ۸، ص ۱۵۰.
- [۳]. سوره مبارکه ق، آیه شریفه ۲۲.
- [۴]. سوره مبارکه تکویر، آیه شریفه ۵.
- [۵]. غرر الحکم، ص ۵۳، روایت ۴۰۶
- [۶]. غرر الحکم، ص ۲۴۷، روایت ۵۰۹۷
- [۷]. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۹
- [۸]. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۳۱.



## تربیت در محیط خانوادگی: ۳

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ [۱]» غیرت از آثار ایمان است.

### مروری بر مباحث گذشته

بحث ما در مسئله غیرت بود که از محبت ناشی میشود. همچنین پیرامون محیطهایی که انسان در طول زندگی، در آن محیطها ساخته میشود بحث شد. گفته شد اولین محیط، محیط خانوادگی است، که به طور غالب شدیدترین محبتها در این محیط است و این رابطه محبتی در محبت پدر و مادر به فرزند برقرار است و لذا غیرتی که از محبت ناشی میشود و ریشه در محبت دارد، اقتضا میکند که پدر و مادر فرزندان را در بُعد انسانی و الهی بسازند. عرض کردم که ساختار وجودی انسان (که شاکله انسان را تشکیل میدهد) بوسیله تربیت ایجاد میشود و در همین محیطهاست که انسان ساخته میشود.

بحث به اینجا رسید که تربیت غالباً از دو راه سمعی و بصری است. لذا وارد این بحث شدم که در اسلام برای پدر و مادر، آدابی وجود دارد که برای ساختن فرزند از همان هنگام تولد چه کارهایی را باید انجام دهند. اسلام کارهایی که برای ساختن فرزند و ساختن شاکله وجودی او از روز تولد تا دو سالگی لازم است را، از راه سمعی بیان کرده است.

در باب گفتاری و شنیداری گفتیم در آداب اسلامی امر کردهاند که دو سال او که تمام شد و وارد سه سال شد (که در این زمان غالباً هم دریافت میکند و هم بازگو میکند) کلمه توحید را به او بیاموز و تکرار هم بکن تا اینکه برای او ملکه شود. یعنی شاکله توحیدی داشته باشد.

### تأثیر اعمال دیداری در تربیت فرزند

از آنجایی که در مقابل کارهای گفتاری و شنیداری، کرداری و رفتاری است؛ ما به اعمال و اقدامات بصری (دیداری) میپردازیم. راجع به اقدامات دیداری، در روایات اشاره شده به اینکه وقتی کودک، شش سالش تمام شد و میخواهد وارد هفت سال بشود، اینجا مقتضی آموختن را دارد. قبل از هفت سالگی بحث گفتار بود، اینجا بحث اعمال است. در یک روایتی پیغمبر اکرم فرمودند: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا [۲]» فرزندان را آنگاه که به هفت سالگی وارد میشوند نماز بیاموزید.

شش سال او که تمام میشود و وارد هفت سال میشود، جنبه دیداری و رفتاری دارد. به پدر و مادر میگوید: بایست و نماز را بخوان و به او این عمل را بیاموز! بحث آموزش رفتاری است نه گفتاری.

میفرماید بعد از آموزش عملی رهائش نکن، بیا سراغ آموزش گفتاری. ایستادی نماز خواندی، به او بگو: بابا جان! مرا نگاه کن! به این میگویند نماز. بابا جان نماز میخوانم، نگاه کن!

کم کم این عمل تو را یاد میگیرد. در این سنین سریع یاد میگیرد و گیرندهاش بسیار قوی، سریع و عمیق است و فوراً به حافظه میبرد. حافظه هم اتاق بایگانی است. آن را در اتاق بایگانیاش نگاه میدارد. قشنگ عکسبرداری میکند، فیلم میگیرد.

### تأکید و تکرار با روشهای صحیح در تربیت مؤثر است

این عمل را که آموزش دادی، باز هم رهائش نکن، دوباره بیا سراغ اقدامات گفتاری. یک روایت از علی (علیه السلام) است که فرمود: «أَدَّبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الطَّهْوَرِ [۳]» کودکان خانوادها را با زبانت به نماز و وضو تربیت کن.

اگر میخواهی در بُعد معنوی او این روح را بسازی، بدان که با تکرار ملکه میشود. تربیت خیلی ظرافت دارد. برخلاف آنچه همه میگویند این مباحث خیلی مشکل نیست ولی به نظر من از نظر مباحث علمی ظرافت دارد و ظرافتش این است که در این سنین که داری عملاً به او آموزش میدهی، و بعد هم لفظاً روی آن تأکید میکنی، مواظب باش یک وقت روشی غیر الهی و غیر انسانی به کار نگیری. - نعوذ بالله - با خشونت رفتار نکنی! وگرنه بری میشود از هر چه دین است. اگر به این نحو باشد، کشف از جهالت تو است.

### تفاوت میان اصل تربیت و روش تربیت

یک بحث دیگری هم هست که من فقط تذکر میدهم و آن اینکه روش در تربیت، جدای از اصل تربیت است. او را باید تربیت کنی ولی نه با الفاظ خشن و امثال اینها. بلکه باید او را به شوق بیاوری، که اینها روش تربیتی است. باید میان اصل تربیت و روش تربیت، جداسازی بکنیم.

ما یک آیه داریم از آیات شریفه قرآن که اصل مسئله آموزش و تربیت را، چه نسبت به خود، چه نسبت به کسانی که جزو خاندان محسوب میشوند، مطرح میکند و به طور کلی به ما که مؤمن هستیم و اعتقاد به مبدأ و معاد داریم، خطاب میکند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا [۴]» ای کسانی که ایمان آوردید، جانهای

## تربیت در محیط خانوادگی

\* شش سال او که تمام میشود و وارد هفت سال میشود، جنبه دیداری و رفتاری دارد. به پدر و مادر میگوید: بایست و نماز را بخوان و به او این عمل را بیاموز! بحث آموزش رفتاری است نه گفتاری.

میفرماید بعد از آموزش عملی رهائش نکن، بیا سراغ آموزش گفتاری. ایستادی نماز خواندی، به او بگو: بابا جان! مرا نگاه کن! به این میگویند نماز. بابا جان نماز میخوانم، نگاه کن! کم کم این عمل تو را یاد میگیرد. در این سنین سریع یاد میگیرد و گیرندهاش بسیار قوی، سریع و عمیق است و فوراً به حافظه میبرد.

\* مواظب باش یک وقت روشی غیر الهی و غیر انسانی به کار نگیری. - نعوذ بالله - با خشونت رفتار نکنی! وگرنه بری میشود از هر چه دین است. اگر به این نحو باشد، کشف از جهالت تو است.

\* روش در تربیت، جدای از اصل تربیت است. او را باید تربیت کنی ولی نه با الفاظ خشن و امثال اینها. بلکه باید او را به شوق بیاوری، که اینها روش تربیتی است. باید میان اصل تربیت و روش تربیت، جداسازی بکنیم.



خودتان و خاندانتان را از آتش جهنم حفظ کنید. این یک فرمان کلی است.

### راههای نجات خود و خانواده از آتش

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که حضرت فرمود: «لَمَّا نَزَلَتْ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا قَالَ النَّاسُ كَيْفَ نَقَى أَنْفُسَنَا وَ أَهْلِيْنَا؟» وقتی این آیه نازل شد مردم گفتند: چگونه ما خودمان و خانواده‌مان را از آتش جهنم حفظ کنیم؟ پیغمبر اکرم جواب دادند: «إِعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ وَ أَذْبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» [۵] «کارهای خیر انجام دهید و خانواده‌هایتان را به آن یادآور شوید و آنها را بر بندگی خدا ادب نمائید. من فهرست‌وار توضیح میدهم که پیامبر اکرم چه میفرماید.

### عمل خیر

اول به راه کرداری و رفتاری اشاره میفرماید «إِعْمَلُوا الْخَيْرَ» شما کردار و رفتارتان را، یک رفتاری بکنید که خوب و پسندیده باشد. خود این عمل در خانواده، یک تیر و دو نشان است؛ در بعد الهی و انسانی خودت را از آتش نجات میدهی؛ مثلاً نماز میخوانی، کمک به مستمندان میکنی و... با این کار، هم خودت را از آتش نجات میدهی؛ هم خانوادهات را. چون داری آنها را آموزش میدهی و وظیفه تو هم آموزش دادن بوده است. يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا به همه مؤمنین خطاب میکند که هم خودت را باید از آتش نجات بدهی، هم خانوادهات را. یعنی نجات آنها با دست تو است. بعد سؤال میکنند آقا! چگونه این کار را انجام دهیم؟ میفرماید: کار خیر بکنید! آیا با کار خیر من او از آتش نجات پیدا میکند؟ بله! ببینید چگونه پیغمبر مسأله را روشن می فرماید. وظیفه‌ات این بوده است که کار خیر کنی. با این کار هم خودت نجات پیدا میکنی، هم او را عملاً تأدیب میکنی و به او میآموزی. این که تعبیر کردم یک تیر و دو نشان است، این مطلب است: هم خودت را از آتش نجات میدهی، هم او را. چون داری آموزش عملی میکنی.

### یادآوری و تذکر

بعد میفرماید: «وَ ذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ» یادآور شو به خانوادهات! یعنی وقتی کار خیر کردی و او هم یاد گرفت، بعد به آنها یادآوری کن. خودت که عمل را ادامه میدهی، به آنها هم یادآوری بکن که نکنند آنها را ترک کنند. تا شاکله و ملکه برای آنها بشود و شاکله وجودی آنها را تشکیل دهد.

### کار خیر را با دست کودک انجام دهید

«وَ ذَكِّرُوا بِهِ (أَيُّ بِالْخَيْرِ) أَهْلِيكُمْ». یادآورشان کن به کارهای خیر. ما در باب اعمال نیک داریم که خیر، به طور عملی و لفظی باید کنار هم باشد. نسبت به تربیت کسانی که تحت تربیت انسان قرار میگیرند مثل فرزند انسان، باید با هم باشد تا خوب تأثیر بگذارد. در یک روایتی از امام رضا علیه السلام آمده که حضرت فرمود: «مَرَّ الصَّبِيُّ فَلَيْتَ صَدَّقَ بَيْدَهُ بِالْكَسْرَةِ وَ الْقَبْضَةِ وَ الشَّيْءِ وَ إِنْ قُلْ [۶]» «کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد، اگر چه کم باشد.

بصورت گفتاری به او امر کن این کار را بکند! حال که میخواهی دستگیری از مستمند کنی و صدقه بدهی با دست او بده! پول را بده به او بگو: تو بده! صدقه را تو میدهی! اما به دست او بده! ببینید چقدر زیبا میآید مطلب را بیان میفرماید: «فَلَيْتَ صَدَّقَ بَيْدَهُ» با دست بچه‌ها - قبضه را یک مشت میگویند - میخواهی در راه خدائفاق کنی، دستگیری از مستمندان بکنی، هم به او امر کن، هم با دست او این کار را بکن! یعنی هم گفتاری هم کرداری. هر دو با هم.

### خیر یعنی کار انسانی و کار خداپسندانه

حضرت دو جمله را فرمود: «إِعْمَلُوا الْخَيْرَ» و «وَ ذَكِّرُوا بِهِ» به خیر یادآوری کن. چون ضمیر به خیر برمیگردد. در اینجا دو مطلب است که اشاره میکنم. اول اینکه خیر به معنای خوبی است. مفهوم عام دارد. هم رفتارهای انسان پسندانه است، هم خداپسندانه. هر دو آن را خیر میگویند. یعنی هم به کاری که از دیدگاه الهی نیک است خیر میگویند، و هم به کاری که از دیدگاه انسانی پسندیده است. به هر دو آنها خیر میگویند. روایت هر دو آنها را در بر میگیرد، کمک به مستمندان از دیدگاه انسانی خیر است. اما نماز خواندن از دیدگاه الهی خیر است. خیر که گفته میشود، دو مصداق دارد؛ هم از دیدگاه انسانی یک مصداق دارد، هم از دیدگاه الهی. هیچ مانعی هم ندارد کاری از دیدگاه انسانی خیر باشد و الهی هم باشد. که این بحثی است که بعد - انشاء الله - وارد میشوم.

### تأکید بر تربیت الهی

اول کلی را بیان میفرماید که هر دو آن را در بر میگیرد. بعد میفرماید: «وَ أَذْبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» این را جداسازی میکند و روی این تکیه میکند که آنچه از دیدگاه الهی خیر است، و خداوند به او امر فرموده است - طاعت - روی این کار کن! یک شاکله وجودی الهی هم بساز! هم انسانی، هم الهی! اما روی بعد الهی آن سرمایه‌گذاری کن! «وَ أَذْبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» او را تربیت کن، یک تربیت الهی!

### موقعه‌ی کسی که عامل است تأثیر میگذارد

چهارم اینکه تمام این جملات حساب شده است. یعنی همینطور - نعوذ بالله - بی‌اساس نیست. اینها همه حساب

## تربیت در محیط خانوادگی

\* میفرماید: کار خیر بکنید! آیا با کار خیر من او از آتش نجات پیدا میکند؟ بله! ببینید چگونه پیغمبر مسأله را روشن می فرماید. وظیفه‌ات این بوده است که کار خیر کنی. با این کار هم خودت نجات پیدا میکنی، هم او را عملاً تأدیب میکنی و به او میآموزی. این که تعبیر کردم یک تیر و دو نشان است، این مطلب است: هم خودت را از آتش نجات میدهی، هم او را.

